کشورهای عقب افتاده و
برنامه ی درخواست های انتقالی

کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره ماهیتاً کشورهای عقب مانده هستند. ولی کشورهای عقب مانده بخشی از دنیائی را تشکیل می دهند که امپریالیزم بر آن حاکم است. به همین دلیل، رشد آنان دارای صبغه ای Character مرکب است: ابتدائی ترین اشکال اقتصادی با آخرین کلام در تکنیک و فرهنگ سرمایه داری درآمیخته است. وصف کوشش های سیاسی پرولتاریای کشورهای عقب مانده هم، به همین منوال است: مبارزه برای ابتدائی ترین کامیابی های مربوط به استقلال ملی و دموکراسی بورژوائی، با مبارزه ی سوسیالیستی علیه امپریالیزم جهانی توأم است. شعارهای دموکراتیک، درخواست های انتقالی و مسائل انقلاب سوسیالیستی در این مبارزه به اعصار جداگانه تاریخی تقسیم نشده اند، بلکه مستقیماً از یک دیگر ناشی می شوند. پرولتاریای چین هنوز درست و حسابی به تشکیل سندیکاهای کارگری نپرداخته بود که مجبور به تدارک برای شوراها شد. از این نظر، برنامه ی کنونی در کشورهای مستعمره ونیمه مستعمره، دست کم در کشورهائی که پرولتاریا قادر به اجرای سیاستی مستقل شده است، می تواند کاملاً به کار بسته شود.

وظیفه مرکزی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره انقلاب ارضی، یعنی تصفیه ی میراث های فئودالی، و حصول استقلال ملی، یعنی سرنگون کردن یوغ امپریالیستی است. هر دو وظیفه از نزدیک به یک دیگر پیوسته اند. دست

www.hks-iran.com

رد زدن به سینه ی برنامه ی دموکراتیک، صرفاً، غیرممکن است؛ لازم است که توده ها در طول مبارزه ی خود از خلال آن برنامه عبور کرده، آن را پشت سر به گذارند. شعار مجلس ملی، (یا مجلس مؤسسان) برای کشورهائی چون چین و هند به قدرت کامل خود باقی است. این شعار باید به طرزی جدائی ناپذیر با مسأله ی آزادی ملی و اصلاحات ارضی پیوند داده شود. کارگران به عنوان قدم اولیه باید مجهز به این برنامه ی دموکراتیک باشند. تنها آنان خواهند توانست کشاورزان را به سوی خود طلبیده، آنان را متحد گردانند. براساس برنامه ی دموکراتیک انقلابی، لازم است که کارگران رویاروی بورژوازی "ملی" قرار داده شوند. آن گاه در مرحله ی خاصی در بسیج توده ها، تحت لوای شعارهای دموکراسی انقلابی، شوراها می توانند به وجود آیند، و باید هم به وجود آیند. نقش تاریخی شوراها در هر دوره ی معین، به ویژه رابطه ی آنان با مجلس ملی، به وسیله ی سطح سیاسی پرولتاریا، پیوند آنان با روستائیان، و صبغه ی سیاست های حزب پرولتاریائی تعیین خواهد شد. شوراها باید دیر یا زود دموکراسی بورژوائی را سرنگون کنند. تنها آنان می توانند انقلاب دموکراتیک را به نتیجه رسانده، نیز عصر انقلاب سوسیالیستی را مفتوح گردانند. وزنه ی نسبی هر کدام از درخواست های دموکراتیک و انقلابی در مبارزه ی پرولتاریا، علائق متقابل و ترتیب ارائه آنان را، ویژگی ها و شرایط خاص هر کدام از کشورهای عقب افتاده، و به اندازه معتنابهی، درجه ی عقب افتادگی آنان تعیین می کند. با وجود این، روند کلی رشد انقلابی در سراسر کشورهای عقب افتاده را

www.hks-iran.com

می توان با فرمول انقلاب مداوم، به معنائی که سه انقلاب روسیه (۱۹۰۵، فوریه ۱۹۱۷ و اکتبر ۱۹۱۷) با قاطعیت بدان داده اند، تعیین کرد.[۱]

نمونه ای کلاسیک از چگونه گی امکان نابودی انقلابی نیرومند و امیدبخش را کمینترن در اختیار کشورهای عقب افتاده گذاشته است. در گیرودار خیزش طوفانی و توده ای چین در سال های ۲۷-۱۹۲۵، کمینترن شعار مجلس ملی را پیش نکشید، و در عین حال ایجاد شوراها را ممنوع کرد. (طبق نقشه ی استالین قرار بود که حزب بورژوائی کومین تانگ هم جای مجلس ملی را به گیرد و هم جای شوراها را.) پس از آن که توده ها به وسیله ی کومینگ تانگ تارومار شدند، کمینترن کاریکاتوری از یک شورا را در کانتون تشکیل داد.

---

[۱]- انقلاب مداوم این تئوری را تروتسکی برای اولین بار در سال ۱۹۰۶ در رابطه با انقلاب روسیه و برمبنای تجربه ی انقلاب ۱۹۰۵ عنوان نمود. بر طبق این تئوری در کشورهائی که رشدشان نسبت به کشورهای پیش رفته صنعتی غرب عقب افتاده است، حل مسائل حاد دموکراتیک جامعه، مسأله ی استقلال ملی، مسأله ی ارضی، و غیره- دیگر از طریق انقلاب های بورژوا دموکراتیک ممکن نیست. در عصر امپریالیزم بورژوازی کشورهای عقب افتاده دیگر نمی توانند همان نقشی را بازی کنند که بورژوازی در غرب در جریان انقلاب های بورژوائی ایفا کرد. بورژوازی کشورهای عقب افتاده در جریان مبارزات مردم برای رهایی ملی و حصول دموکراسی نه تنها نیروئی انقلابی نیستند، بلکه به صورت ترمزی برای مهار این مبارزات و سرکوبی غائی آن عمل می کنند. تنها طبقه ای که قادر به حل مسائی دموکراتیک در این کشورهاست طبقه ی کارگر است. بر طبق این تئوری طبقه ی کارگر با کسب قدرت در رأس روستائیان زمینه را برای حل اساسی و واقعی مسائل دموکراتیک مهیا می کند. از این جهت است که انقلاب دموکراتیک و انقلاب سوسیالیستی در این کشورها با یکدیگر ترکیب می شود و حل مسائل اساسی دموکراتیک جامعه تنها به روش انقلاب پرولتری ممکن می گردد.

جنبه ی دوم این تئوری این است که پس از آغاز انقلاب سوسیالیستی تمامی مناسبات اجتماعی برای مدتی دراز دست خوش تغییر و تحول دائمی می شوند.

جنبه ی سوم که مستقیماً از دو جنبه ی فوق نتیجه می شود حاکی از تداوم در پروسه‌ی انقلاب جهانی است و بر طبق آن، گرچه انقلاب سوسیالیستی در زمینه ی ملی آغاز می شود، لکن نمی تواند در این زمینه تکمیل گردد. و بدین ترتیب انقلاب ملی فقط حلقه ای از زنجیر انقلاب جهانی است. پس از تجربه ی انقلاب ناکام ۲۷- ۱۹۲۵ در چین تروتسکی تئوری انقلاب مداوم را که صحت آن از طریق انقلاب روسیه ثابت شده بود به تمامی کشورهای عقب افتاده تعمیم داد. برای اطلاع بیشتر به کتاب انقلاب مداوم نوشته ی لئون تروتسکی مراجعه کنید.

www.hks-iran.com

متعاقب سرنگون شدن اجتناب ناپذیر قیام کانتون، کمینترن راه جنگ چریکی و شوراهای روستائی را در پیش گرفت، در حالی که پرولتاریای صنعتی در عدم انفعال کامل به سر می برد. کمینترن که با چنین بن بستی رو به رو شده بود، از جنگ بین چین و ژاپن استفاده کرد تا "چین شوروی" را با یک تُک قلم تصفیه کند؛ و نه تنها "ارتش سرخ" روستائی بلکه حزب به اصطلاح "کمونیست" را نیز تابع همان کومین تانگ، یعنی بورژوازی، ساخت.

کمینترن که به خاطر دوستی با برده داران "دموکرات" به انقلاب جهانی پرولتاریائی خیانت کرده بود، نمی توانست در همان زمان به مبارزه ی توده های استثمارزده برای آزادی، خیانت نکند، و آن هم در واقع حتی با موذی گری ای بیش از آن چه بین الملل دوم پیش از کمینترن از خود نشان داده بود. یکی از وظائف جبههی مردم و سیاست "دفاع ملی" عبارت است از تبدیل کردن میلیونها نفر از سکنه مستعمرات به پوشال توپ امپریالیزم "دموکراتیک". پرچمی که بر آن مبارزه برای آزادی مردمان مستعمره، یعنی بیش از نیمی از مردم جهان، با حروف درخشان متجلی شده است، اینک قطعاً در ید کفایت بین الملل چهارم افتاده است.

www.hks-iran.com